

تأثیر دیانت بر شادی دانش‌آموزان مدارس دخترانه مقاطع راهنمایی و دبیرستان ناحیه ۲ شهر کرمان

دکتر سیدحمیدرضا علوی*
زهرا رنجبر شورآبادی**

چکیده

تحقیق حاضر به منظور شناسایی میزان تاثیر دیانت (دانش، نگرش و رفتار دینی) بر شادی دانش‌آموزان مدارس دخترانه مقاطع راهنمایی و دبیرستان ناحیه ۲ شهر کرمان صورت گرفته است. روش تحقیق، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، «پرسشنامه دانش، نگرش و رفتار دینی» و «پرسشنامه سنجش شادی» آکسفورد بود. با روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۱۵۹ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان و ۱۰۴ نفر از دانش‌آموزان راهنمایی جهت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه انتخاب گردیدند و تجزیه و تحلیل داده‌ها، به وسیله نرم افزار Spss انجام گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

۱. «دانش دینی» دانش‌آموزان پایین، «نگرش دینی» دانش‌آموزان مثبت و «رفتار دینی» آنها تاحدی مناسب به دست آمد؛
۲. میزان شادی دانش‌آموزان نسبتاً زیاد است؛
۳. دانش دینی بر شادی دانش‌آموزان موثر نیست؛
۴. نگرش و رفتار دینی دانش‌آموزان بر شادی آنها تاثیر دارد؛
۵. «مقطع تحصیلی» بر «دانش دینی»، «معدل» بر «دانش دینی، رفتار دینی و شادی» «پایه تحصیلی و سن» بر «رفتار دینی» تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: دیانت، دانش دینی، نگرش دینی، رفتار دینی، شادی

مقدمه

دین، در لغت به معنای اعتقاد به وجود خدا و فعالیت‌هایی که در ارتباط با عبادت و پرستش اوست، آمده است (آکسفورد، ۲۰۰۵). به گفته مشایخی‌راد (۱۳۸۵) دین عبارت از برنامه‌های الهی است که انسان را در اعتقادات به سوی حق راهنمایی و در رفتارها به سوی خیر و شیوه عمل ارشاد می‌کند.

دیانت نیز به: «تسلیم شدن در برابر بیانی که از مقام ربوبی در مورد عقاید و اعمال صادر می‌شود» گفته شده است (آذربایجانی و موسوی‌اصل، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸). «واژه ایمان نیز به معنای به "امن رساندن" است، از این‌رو مؤمن کسی است که به حق گرایش داشته و بدان تسلیم شود و در آن تسلیم قلبش آرام و مطمئن باشد» (بدخشان، ۱۳۷۹، ص ۳۴). «دین از مؤلفه‌ها و مقولات متعدد و گوناگون تشکیل شده است. شناخت و معرفت، نگرش‌ها، باورها و عقاید، رفتارها و عملکردها و... از ابعاد و اجزای مهم تشکیل‌دهنده دین می‌باشند» (علوی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱). همچنین رونزر (۱۳۶۴) به نقل از علوی (۱۳۸۵) بیان می‌دارد: «دین مفهومی است که می‌توان برای آن ابعاد مختلفی قائل شد، برخی علوم اجتماعی دینداری را دارای دو بعد اجرای فرایض مذهبی و اعتقاد مذهبی دانسته‌اند که اجرای فرایض مذهبی مثل نماز، روزه، مناجات و مناسک گوناگون به وسیله مشاهدات علمی آشکار خواهد شد و اعتقادات مذهبی از طریق پاسخ به سؤالات عقیدتی مکشوف خواهد شد». بنابراین دینداری در گرو شناسایی دین و عمل به دین است. به سخن دیگر، معنی صحیح و درست دینداری باور به آموزه‌های اعتقادی دین و پایبندی به مقررات، احکام و ارزش‌های دینی است؛ زیرا ایمان وقتی رشد می‌کند که انسان علاوه بر افزایش علم و معرفت و باورهای دینی خود، به انجام عمل صالح نیز همت گمارد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: ایمان شناخت با دل است، گفتن با زبان و عمل با ارکان بدن. امام صادق (ع) می‌فرماید: ایمان مؤمن جز با عمل استوار نمی‌شود، عمل جزء ایمان است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ص ۵۵).

بر این اساس، دیندار حقیقی کسی است که علم مبدأ و معاد دارد و علم او مبنای عملش و عمل او مبنای سعادت و کمالش و نمود و جلوه دانش اوست (بهشتی، ۱۳۸۵). «ایمان چنین فردی به منزله ستونی است که او را از افتادن و مغلوب شدن نگاه می‌دارد و همچنین به منزله مقیاس عظیمی است که چون همه چیز را با او می‌سنجد به حقارت و ناچیزی هرچه از خوشی و ناخوشی به او دست می‌دهد، پی می‌برد. نه در ناخوشی مقهور و

بیچاره می‌شود و نه در خوشی مغرور و گمراه» (کایزل، ۱۳۴۲، ص ۴۳). چنین انسانی دین را به عنوان منبع رفتاری خود دانسته و همه هنجارهای زندگی‌اش را با آن هماهنگ می‌کند و برای رسیدن به هدف عالی خود به ایمان و عمل صالح تمسک می‌جوید که ایمان و عمل صالح آرامش و آسایش را در زندگی او به وجود می‌آورد و این آرامش از آنجا که عطای الهی است هرگز کاستی و نقصانی در آن راه نمی‌یابد. در قرآن کریم آمده است: «اوست که آرامش را بر قلب‌های مؤمنان نازل می‌کند» (فتح، ۴).

در تبیین جایگاه آرامش و شادی در اسلام باید گفت که اصل شاد زیستن در اسلام، پذیرفته، بلکه بر آن تأکید شده است. اسلام نگاهی متعالی به شادی دارد و شادمانی در سایه همراهی با خدا در مسیر تحقق اهداف آسمانی‌اش بر روی زمین را ارج می‌نهد. لذا اگر بگوییم دین اسلام مساوی با شادی است سخنی گزاف نگفته‌ایم. دستورها و احکام اسلام در باب عبادات و کسب معرفت الهی و نیز برخی دستورها و مقررات اجتماعی و اقتصادی اسلام دقیقاً به همین منظور قرار داده شده است. نگاهی گذرا به تعالیم دینی نشان می‌دهد، شادی و سرزندگی از آثار ایمان مذهبی است، نداشتن نگرانی و اضطراب و غم و اندوه در رسیدن به اطمینان قلبی اساس هر نوع شادی است و این ممکن نیست، مگر با ایمان به قدرت مطلق که سرآغاز همه نیکی‌ها است. سخنان ائمه (ع) مؤید این مطلب است، آنجا که امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «اندوه، جسم را تباه می‌کند و کسی که غم او بسیار باشد اندوه او به درازا می‌کشد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۶۱). و باز می‌فرماید: «مؤمن شادی‌اش در چهره او است و اندوهش در دلش، سینه‌اش از هر چیزی فراخ‌تر است و نفسش از هر چیزی زیون‌تر» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳). «آنگاه که گناهان انسان راستگو و درست کردار زیاد شد، سرور و شادمانی او اندک می‌شود» (لقمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «مؤمن در پیمودن راه راست، بانشاط است» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۶۱).

با کمی تأمل در آیات و روایات درمی‌یابیم که نگاه دین به شادی، نگاهی هدفمند است و براساس آن، شادی برای خدا ارزش دارد. در سایه چنین شادی حقیقی و ماندگار است که بشر به سعادت و خوشبختی می‌رسد؛ چرا که شادمانی واقعی، در نزدیک شدن به هدف والای آفرینش و آراسته شدن به خصلت‌های انسانی و الهی است. لذتی که اسلام برمی‌گزیند، خاستگاه شادی‌های اصیل است، یعنی هرچه به رابطه میان خدا و بشر بینجامد و آن را تداوم بخشد، نه نوع لذت‌های غفلت‌زا و سکرآور و پایین‌آورنده شأن انسانی - که شادی‌های مقطعی، توهمی و لذات زودگذر است - و موجب عذاب ابدی می‌گردد. طبق

گفته استاد مصباح‌یزدی (۱۳۸۰)، چنین لذاتی برای مؤمن تلخ و مانند زهر کشنده است؛ گرچه به ظاهر لذت‌بخش نیز باشد، چون او به فرجام کار می‌اندیشد. بی‌شک آن کس که از گناه و معصیت لذت می‌برد، دچار غفلت شده است و الا اگر به فرجام معصیت می‌اندیشید، اصلاً احساس لذت نمی‌کرد؛ چرا که لذت‌های آمیخته به گناه به مرور زمان باعث امحای شادی‌هاست و طبق گفته پیامبر اکرم (ص) اندوهی دراز برجا می‌گذارد و همین شادی‌ها و لذت‌هاست که براساس آیات قرآن به عنوان شادی‌های پنداری و مذموم تلقی شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «این قهر و عذاب شما کافران بدین سبب است که در دنیا از پی تفریح باطل بودید و دائم به شهوت‌پرستی و نشاط سرگرم شدید» (غافر، ۷۵). جالب اینکه در آخر آیه می‌فرماید: «بِمَا كُنْتُمْ تَمْرُحُونَ» که به معنای شادی به خاطر مطالب بی‌اساس یا شدت فرح است و در سوره قصص آیه ۷۶ با صراحت بیان شده که خداوند مردم پرنشاط را دوست نمی‌دارد چون شادی آنها همراه با گناه و غفلت و فساد است». بنابراین، از منظر اسلام بهترین شادی‌ها؛ شادی‌های معنوی، اصیل و پایدار است که با خیر و تداوم همراه است. در آیات قرآن و سخنان ائمه (ع) مصداق واقعی این‌گونه شادی‌ها بیان شده است. قرآن کریم می‌فرماید: ای رسول خدا به خلق بگو شما باید منحصرأً به فضل و رحمت خدا شادمان شوید که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که برای خود اندوخته می‌کنید (یونس، ۸۵).

امام صادق (ع) می‌فرماید که خداوند به داوود پیغمبر وحی فرستاد که ای داوود، با وجود من شادی کن و از یاد من لذت ببر و با مناجات من مغتنم باش (فرید تنکابنی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۱). امام سجاد (ع) نیز مصداق شادی واقعی را بسیار زیبا بیان کرده‌اند آن هنگام که دست به دعا برداشته‌اند و عرضه داشته‌اند: «ای خدا، ما را، به آن بندگان برسان که لذت راز گفتن با تو را دریافتند و از عنایت تو به بالاترین مقصدهای خود رسیدند» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۰۶). بار پروردگارا، مرا از آن کسانی بگردان که شیوه ایشان نشاط و میل به راه تو است و عادتشان آه و ناله به درگاه تو... (صحیفه سجادیه، مناجات‌المحبین، ص ۲۹۹). دست یافتن به این لذت و شادی است که همواره آرامش را به انسان هدیه می‌کند، آرامش همیشگی در پناه خدا و اطمینان قلبی با حضور اوست.

حال این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا هر گونه ذکر و هر گونه عبادتی به چنین آرامشی می‌انجامد؟ پاسخ قطعاً نه است. در واقع عبادت و عملی می‌تواند انسان را به چنین درجه‌ای برساند که زیربنای آن معرفت الهی است.

نراقی (۱۳۸۶، ص ۶۲۷) در این باره اظهار می‌کند که: «اصل جمله سعادت و مایه همه ابتهاجات معرفت خداست که در شریعت مقدسه از آن به ایمان تعبیر می‌شود و آن است که ثمره آن بهجت و لذتی است که چون آدمی در عالم آخرت به آن رسید، همه لذت‌های بهشت را حقیر می‌شمارد». «هر که این لذت را چشید همه غم‌های او زائل و جمله خواهش‌های او باطل می‌گردد و دل او مستغرق در معرفت خدا می‌شود» (همان، ص ۶۲۴). اسپینوزا نیز، برترین نیک‌روان و فضیلت‌روان را شناسایی خدا می‌داند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۵). همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: برای هر چیز ستونی است و ستون این دین فهم و دانایی است (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۴، ص ۴۲۹) و در جای دیگر می‌فرماید: «معرفت نور است» و معرفت تحقق‌یافته معنایی جزئی متحقق شدن به آن نور نمی‌تواند داشت که نه تنها ذهن را نورانیت می‌بخشد، بلکه نفس را زیبا می‌کند و بدن را منور می‌سازد. معرفت ناب از عشق جدایی‌ناپذیر است، تحصیل چنین معرفتی همانا تحصیل یقین و نجات یافتن از شکی است که موجب انحراف ذهن می‌شود و آرامش درون را بر هم می‌زند (نصر، ۱۳۸۰، ص ۵۹۴). به همین دلیل است که امیرمؤمنان علی(ع) در مناجات شعبانیه از خداوند درخواست معرفت می‌کند که: مرا به نور عزتت که بهجت و نشاط‌آورتر از هر لذتی است پیوند ده تا عارف به تو گردم و از غیر تو روی گردانم و از تو ترسان و مراقب فرمان تو باشم (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۶۳). آنگاه در ادامه مناجات عرضه می‌دارد: خدایا، مرا به واله و حیران یاد خود برای یاد خود گردان و همتم را بر نشاط و آسایش و رستگاری به اسمای خود و به مقام قدس و عظمت خویش قرار ده (همان، ص ۲۶۲).

وقتی انسان با اسمای الهی و عالم قدس ارتباط یافت، خداوند را صاحب تمام کمالات و منزله از هر گونه عیب و نقص می‌داند. توجه به چنین حقیقتی روح انسان را به پاکی‌ها و نیکی‌ها سوق می‌دهد و از بدی‌ها و زشتی‌ها پیراسته می‌کند و آینه وجود را مستعد تجلی صفات او می‌سازد و از طرفی مالکیت او را بر خود می‌پذیرد و عالم و آدم را با تمام اجزا و حوادث خود تحت تدبیر قدرت لایزال مدبری حکیم و قدیر می‌بیند و همه امور این عالم را در پرتو آگاهی از صفات پروردگار تجزیه و تحلیل می‌کند. از این رو بر او توکل می‌کند و اندیشه‌ها و نگرانی‌های خود را به خداوند می‌سپارد و همواره زمزمه‌گر «أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ» می‌گردد، چرا که او را «بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» می‌داند. چنین فردی اتکای به خداوند و احساس برخورداري همواره از حمایت‌های او را در دل دارد و در نتیجه از زندگی کردن لذت می‌برد. معرفت الهی محبت، رضایت و شکرگزاری را به دنبال دارد. کسی که خداوند را شناخت،

عشق و محبت وافر نسبت به او پیدا می‌کند. به دنبال محبت به خدا آنچه به خدا مربوط است (از جمله ایمان) محبوب انسان می‌شود (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱). و به دنبال عشق به خدا به مراتب عبودیت و اظهار بندگی انسان افزوده می‌شود خود را نزدیک به او و فانی در او می‌بیند و به شادمانی نهایی می‌رسد (بهادری‌نژاد، ۱۳۸۵).

کسی که محبت او به سر حد کمال رسید دیگر از هیچ امری محزون و متالم نمی‌شود؛ زیرا شادی او به چیزی است که زوال ندارد، پس دل او همیشه فرحناک است. بنابر سخن امام صادق (ع)، انسانی می‌تواند شیرینی محبت خدا را احساس کند که دل از دنیا برکند. ایشان می‌فرماید: «هر گاه مؤمن از دنیا کنار بکشد بلندمرتبه گردد و شیرینی محبت خدا را دریابد و نزد دنیاپرستان چون دیوانه نماید در صورتی که شیرینی محبت خدا با آنها درآمیخته است و از این رو جز به او دل مشغول نکرده‌اند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷). آنها دریافته‌اند که آنچه مایه نجات انسان‌ها و آرامش قلب‌ها است و ارستگی گسستگی از دنیا و تعلقات آن است که با ذکر و یاد دائمی خدای تعالی و محبت او حاصل می‌شود «کسی که به خدا توجه دارد، هدف خود را در دنیا و رسیدن به نعمت‌های آن قرار نمی‌دهد، تا با زوال آن دستخوش درد و اندوه شود و یا از احتمال زوال آن نگران باشد» (سادات، ۱۳۶۴، ص ۹۷). خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: پس هر که بر گذشته اندوهگین نشود و به آینده دل خوش ندارد زهد را از هر دو سو گرفته است (حدید، ۲۳). از همین رو است که علی (ع) زبان به اندرز می‌گشاید و می‌فرماید: «ای زاده آدم، بر آنچه که از کف تو رفته و دگر بار به تو باز نمی‌گردد دریغ مخور و بدانچه در کف تو موجود است و مرگ آن را در دستانت و انمی‌گذارد دلشاد مشو» (مدرسی، ۱۳۸۱، ص ۷۳).

همچنین امیرمؤمنان علی (ع) جایگاه واقعی شادی‌ها را در نامه ۲۲ نهج البلاغه این‌گونه بیان می‌دارد: همانا انسان گاهی خشنود می‌شود به چیزی که هرگز از دستش نمی‌رود و ناراحت می‌شود برای از دست دادن چیزی که هرگز به آن نخواهد رسید. ای ابن‌عباس، خوشحالی تو از چیزی باشد که در آخرت برای تو مفید است و اندوه تو برای از دست دادن چیزی از آخرت باشد. آنچه از دنیا به دست می‌آوری تو را خشنود نسازد و بر آنچه از دست می‌دهی زاری کنان تأسف مخور و همت خویش را به دنیای پس از مرگ واگذار. «به‌راستی آرامش، آسودگی و شادی حقیقی جز با زهد فراهم نمی‌شود که همه اضطراب‌ها، دغدغه‌ها و نگرانی‌ها از دنیاست» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱).

پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود که: زهد در دنیا موجب راحتی و آسایش قلب و بدن است و شیفتگی در آن موجب دراز شدن پریشانی و اندوه است (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۴، ص ۳۲۸).

«امام علی(ع) نیز می‌فرماید: دل برکندن از دنیا بزرگ‌ترین آسایش است. امام سجاده(ع) فرمود: هر کس دل از دنیا برکند، مصیبت‌های آن بر او آسان شود و از آنها ناراحت نشود» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲). امام خمینی(ره) نیز در این باره می‌فرماید: «معلوم است کسی که توجه قلبش به آخرت باشد، امور دنیا و کارهای صعب او در نظرش حقیر و سهل می‌شود و این دنیا را عبورگاه و دارالتربیه خود می‌داند و به هیچ‌یک از سختی و خوشی آن اعتنا نکند و احتیاجات او کم گردد و افتقارش به امور دنیا و مردم آن کم گردد و بلکه به جایی رسد که بی‌احتیاج شود، پس غنای ذاتی و قلبی پیدا کند» (خمینی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۸).

شکل‌گیری چنین نگرشی در پرتو شناخت دنیا حاصل می‌گردد «انسان باید جهان را همان‌گونه که هست بشناسد. یک زندگی ساده، نتیجه شناخت جهان است». پیامبر اکرم(ص) فرمود: «اگر شما جهان را همان‌طور که من شناختم، می‌شناختید روحتان احساس رضایت و خشنودی از آن می‌کرد». همچنین ایشان در دعاهای خود آورده‌اند: «ای خدا، هستی و عالم را همان‌طور که هست به من بنما» (علوی، ۲۰۰۷، ص ۱۳). پیامبر اکرم(ص) در معرفی دنیا این‌گونه می‌فرماید: «ای مردم، دنیا سرای غم است، نه سرای شادی، سرای دشواری است، نه سرای آسودگی، پس هر که آن را شناخت، با امیدی شاد نشد و با سختی و عسرتی اندوهگین نگشت» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹).

حضرت علی(ع) نیز می‌فرماید: علی را با لذت دنیا چه کار؟ چگونه شاد شوم به لذاتی که فانی می‌شود و به نعیمی که باقی نمی‌ماند (اکبری، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰). امام سجاده(ع) در دعاهای خود از خداوند این‌گونه درخواست می‌کند که: خداوندا، ستایش و حمدم را مخصوص و خالص حضرتت گردان در هر یک از حالاتم، تا شاد نباشم به نعمت‌هایی که در دنیا به من عطا کرده‌ای و محزون نگردم از آنچه محرومم کرده‌ای (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳).

از این جهت مؤمن چون معتقد است که ورای این زندگی مادی، عالمی است که لذت و رنجش ابدی است؛ لذت و رنج دنیا را به هیچ می‌گیرد. نه به لذتش دل می‌بندد و نه از رنجی که در مسیر دستیابی به لذت اخروی است، فرار می‌کند. چرا که در واقع سبب حزن و اندوه توقع بقا در متعلقات عالم فنا و چشمداشت پایداری در امور سرای ناپایدار است و علاج آن این است که متذکر شود که هرچه در این عالم است، همه در معرض فنا و زوال‌اند و هیچ چیز در این سراچه بی‌اعتبار قابل دوام نیست، مگر کمالات نفسانیه. اگر انسان این مرحله را به دیده بصیرت بنگرد و بر آن یقین کند، دل‌بستگی او از اسباب دنیویّه

کم می‌شود و تمام روزگار خود را مصروف می‌نماید به تحصیل کمالات و سعادات حقیقیه. پس طالب سعادت باید شادی و سرور او منحصر به آنچه خود دارد از کمالات حقیقیه و سعادات ابدیه و به زوال زخارف دنیویه غمناک نگردد و هر که به این مرتبه رسید ناگزیر گردد به ایمنی‌ای که هیچ تشویشی در آن نیست و شادی‌ای که هیچ غمی با آن نیست. (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۶۶۲) «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲). خداوند در قرآن می‌فرماید: کسی می‌تواند بگوید دوست خدا هستم که از گذشته، غم و غصه و از آینده ترس و نگرانی نداشته باشد، دل او نشاط واقعی داشته باشد. یعنی دل منهای اضطراب و خوف از آینده. (مظاهری، ۱۳۷۵). با کم نمودن علاقه‌های دنیوی و تداوم ذکر خدا در قلب، انسان به مقام عالی رضا و تسلیم دست می‌یابد و انسانی که به مقام رضا دست یافته همواره شاکر و سپاسگزار خداوند است و این سپاسگزاری شادی زایدالوصفی را به او هدیه می‌کند.

البته این نوع شادی که به دنبال شکر نعمت، قدردانی از نعمت‌دهنده، استفاده صحیح بردن از نعمت برای انسان پدید می‌آید، در راستای بندگی خدا و عبادت و عمل صالح میسر می‌گردد و به همین ترتیب این شادی که با انگیزه‌های عقلانی و فضل الهی همراه است، همچنان شکرگزاری و سپاس را در پی دارد.

بنابراین، شناخت خدا و زهدپیشگی در دنیا، محبت - رضایت - شکرگزاری و درنهایت شادی واقعی را به دنبال دارد و این شادی معنوی، انسان را به سوی هدیه کردن شادی به دیگران سوق می‌دهد؛ زیرا یکی از علامت‌های شادی حقیقی همین است که با دیگران تقسیم می‌شود و این شادی است که تبدیل به بخشش، خُلقِ خوش، و چیزهای خوب و زیبا می‌شود. از دیدگاه اسلام این شادی معنوی و واقعی بهترین نوع شادی‌ها است.

روشن است که بخشی از شادی‌های زندگی شادی‌های شخصی، مادی و گذرا است و نمی‌توان این حقیقت را انکار کرد که هر انسانی به این‌گونه شادی‌ها نیاز دارد. دین، این نیاز طبیعی را نه تنها رد نکرده بلکه برای تأمین صحیح و درست آن راهکارهای فراوانی ارائه کرده است. امام رضا(ع) می‌فرماید: «تفریح و سرگرمی‌های لذت‌بخش، شما را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن بهتر به امور دنیایی خویش موفق خواهید شد». (فرید تنکابنی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۱) حضرت علی(ع) می‌فرماید: «جان خود را با مطالب حکیمانه نو و دلنشین خرم و شاداب سازید؛ چه، روح نیز مانند بدن خسته می‌شود و سخنان جالب، نیرو و نشاطش می‌بخشد» (فرید تنکابنی، ۱۳۶۳، ص ۳۷۶). همچنین امام(ع) در راستای پاسخ دادن به نیازمندی‌های روح آدمی رهنمون می‌دهد که «اگر مؤمنی را شاد کنید، اگر

یتیمی را بخندانید، اگر لبخند بر لب انسان غم‌زده‌ای بکارید، اگر حزن و اندوه از دل گرفتاری برطرف کنید به پاداش والای الهی خواهید رسید» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۱).

با اثبات اصالت روح و روان و شناخت انواع بیماری‌های روانی و کشف شیوه‌های درمانی متفکران نیز به این نتیجه رسیده‌اند که تفریحات سالم و شادی‌ها برای تقویت روح آدمی یک ضرورت است (همان، ص ۵۳). این بدیهی است که برای تقویت روح و درمان بیماری‌های روانی باید به سراغ شادی‌های واقعی برویم، ولی بسیار جای تأسف است که در جوامع امروز از این نوع شادی کمتر یاد می‌شود. پیشرفت‌های سریع فن‌آوری و اطلاع‌رسانی، به رغم مزایای فراوان خلأی برای انسان معاصر به وجود آورده است. موج فزاینده افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی، افزایش طلاق و بزهکاری و بسیاری مشکلات روحی و اجتماعی دیگر واقعیت‌های انکارناپذیری‌اند که نشان می‌دهد، شادی از جوامع بشری رخت بر بسته است. آری، با نگاه به پیرامون خود درمی‌یابیم که در جامعه اطراف ما، با اینکه جامعه‌ای دینی است و در دین ما این همه توجه به شادی شده، شادی و نشاط در بین مردم کمتر دیده می‌شود. شاید بتوان گفت مهم‌ترین مشکل انسان معاصر اضطراب و افسردگی و به عبارت عام‌تر نبودن آرامش روانی و اطمینان قلبی است. آرامش روانی گمشده انسان بوده و آدمی با تمام وجود در پی دستیابی به آن است، گاهی فرد در تشخیص مصداق اشتباه می‌کند و برای رسیدن به این آب گوارا دنبال سراب می‌رود. غافل از اینکه یاد خدا یگانه چیزی است که می‌تواند این نیاز را برآورد و به او مدد رساند تا وقار و آرامش خود را در برابر تغییر موقعیت‌های زندگی حفظ کند. تنها دین است که می‌تواند در دنیای امروز به منظور حفظ ارزش‌های انسانی و دستیابی به شادی پایدار و اصیل مسیر صحیح را برای انسان تعیین کند. هنگامی که انسان در برابر یأس حاصل از رنج‌ها و تنش‌های روانی، در شرف نابودی قرار می‌گیرد، دین ترس و وحشت را از او برطرف کرده، حیاتی دوباره به او می‌بخشد. حال با توجه به رنگ باختن شادی در زندگی انسان و رواج سریع بیماری‌های روانی، نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه دینداری برای درمان این افراد و در نتیجه حرکت به سوی جامعه‌ای شاداب و با نشاط احساس می‌شود. بر این اساس، دولت‌ها و مؤسسات آموزشی وظیفه دارند در زمینه بهبود و تقویت دینداری، برنامه‌ریزی کنند، تا در پرتو چنین برنامه‌هایی موجبات دستیابی به شادی پایدار در جامعه فراهم آید.

با توجه به اهمیت این موضوع و ناکافی بودن تحقیقات انجام شده در این راستا، در این پژوهش میزان دیانت بر شادی بررسی شده و عوامل فردی مرتبط با میزان دیانت و شادی

تعیین می‌گردد. بر این اساس، سؤال اصلی و کلی تحقیق حاضر آن است که: «آیا دیانت دانش‌آموزان بر شادی آنان تأثیر دارد؟»

روش تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده در پژوهش حاضر «روش توصیفی» از نوع علی - مقایسه‌ای است؛ زیرا تحقیق توصیفی با چگونگی امور و نه چرایی آنها، سروکار دارد و در این روش وقایع و پدیده‌ها آن‌گونه که هستند بدون دخل و تصرف و دخالت پژوهشگر در آنها توصیف و تبیین می‌گردند (علوی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲).

در این تحقیق، با تفکیک دو گروه دانش‌آموزانی که واجد شادی بالایی نسبت به دانش‌آموزانی که دارای شادی پایین هستند، تأثیر دیانت در دو گروه مورد مقایسه قرار گرفته است، لذا از روش علی - مقایسه‌ای، که زیر مجموعه‌ای از روش توصیفی است، استفاده شده است. همواره نخستین گام در هر تحقیقی تعریف جامعه‌ای است که باید زیر پوشش بررسی قرار گیرد؛ یعنی مشخص کردن جامعه آماری. بنا به نظر موسی‌پور و علوی (۱۳۸۵) «مفهوم جامعه آماری دلالت دارد بر گردآوری واحدهایی که نتایج بررسی به آنها مربوط می‌شود؛ به سخن دیگر، جامعه آماری، جامعه‌ای است که محقق، آزمودنی را از طریق نمونه‌گیری از میان این جامعه انتخاب می‌کند» (ص ۶۹).

جامعه آماری در این تحقیق، دانش‌آموزان سال‌های اول، دوم و سوم راهنمایی و دبیرستان‌های ناحیه ۲ شهر کرمان است که از بین آنها نمونه مورد نظر انتخاب شده است. جامعه آماری مشتمل بر ۱۶ هزار و ۲۸۴ نفر بوده که با توجه به وسعت جامعه مورد مطالعه و به دلیل محدودیت امکانات تصمیم گرفته شد تا به جای پوشش کل جامعه آماری نمونه از آن براساس قواعد نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گیرد به طوری که نمونه انتخابی نمونه معناداری از کل جامعه آماری بوده و امکان تعمیم نتایج تحقیق به جامعه آماری میسر باشد. لذا با روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۱۵۹ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان و ۱۰۴ نفر دانش‌آموز راهنمایی از میان کل دانش‌آموزان، برای پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه انتخاب شدند.

طبق گفته موسی‌پور و علوی (۱۳۸۵، ص ۸۱) ابزار و وسایل مورد استفاده در یک پژوهش از حیث معرفی در گزارش نهایی تحقیق در دو دسته قرار می‌گیرند: ۱. ابزار و وسایل از پیش تهیه شده؛ ۲. ابزار و وسایل تهیه شده طی پژوهش (ابزارهای محقق‌ساخته). ابزاری که در پژوهش حاضر به منظور گردآوری و اندازه‌گیری اطلاعات به کاررفته،

پرسشنامه است. پرسشنامه‌ای که در این تحقیق به کار گرفته شده، از چهار قسمت تشکیل شده و سؤالات آن از نوع بسته است. در ابتدای پرسشنامه راهنمایی تکمیل آن برای ایجاد انگیزه و اطمینان در پاسخگویی قرار داده شده است. قسمت اول پرسشنامه مربوط به سؤالات دانش دینی است که از سوی محقق با طراحی ۱۸ سؤال در مقطع راهنمایی و ۱۶ سؤال در مقطع دبیرستان، تنظیم شده است. سؤالات این قسمت براساس آموخته‌های دانش‌آموزان از کتاب‌های تعلیمات دینی (در مقطع راهنمایی) و دین و زندگی (در مقطع دبیرستان) طراحی شده و از نوع چندگزینه‌ای است که هر یک از آنها از یک قسمت اصلی و چهار گزینه پیشنهادی تشکیل می‌شود و پاسخگو باید از میان گزینه‌های پیشنهادی، گزینه صحیح را انتخاب کند. قسمت دوم پرسشنامه، مربوط به سؤالات نگرش دینی است که [از پرسشنامه ۱۴ سؤالی «نگرش دینی» (علوی، ۱۳۸۲)] بدون هیچ‌گونه تغییری در متن پرسشنامه استفاده شده است. سؤالات این قسمت برای سنجش اعتقادات دانش‌آموزان درباره اصول و فروع دین طراحی شده و شامل یک قسمت اصلی و پنج گزینه: کاملاً موافقم، موافقم، نسبتاً موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم، است.

قسمت سوم هم مربوط به سنجش رفتار دینی است که در این رابطه از [(پرسشنامه ۹ سؤالی «رفتار دینی» (علوی، ۱۳۸۲)] استفاده شده است. در این پرسشنامه میزان پایبندی و التزام عملی به رفتارهایی چون: اقامه نماز، روزه گرفتن، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و قرآن خواندن، از طریق سؤالات چندگزینه‌ای که هر یک از گزینه‌های آن نشان‌دهنده چگونگی عملکرد دانش‌آموزان است، اندازه‌گیری می‌شود.

و قسمت چهارم پرسشنامه که در آن برای سنجش شادی [پرسشنامه ۶ سؤالی سنجش شادی آکسفورد (۲۰۰۵)] با اندکی تغییر به کار گرفته شده است که هر یک از این شش سؤال، شامل سؤالات فرعی مشتمل بر گزینه‌هایی از شماره ۱ تا ۱۰ هستند که شماره ۱ معرف گزینه کاملاً مخالف و شماره ۱۰ معرف گزینه کاملاً موافق است و شماره‌های بین این دو عدد بیانگر گزینه‌های تا حدی مخالف یا موافق می‌باشد.

چگونگی کاربست ابزار برای کسب اطلاع از منبع، روش جمع‌آوری داده‌ها قلمداد می‌شود. بدین منظور محقق پرسشنامه‌ها را میان دانش‌آموزان توزیع می‌کند که با توضیح در مورد موضوع تحقیق و قرائت راهنمای پرسشنامه، زمینه پاسخگویی به سؤالات در آنها فراهم می‌شود. «روایی»، اصطلاحی است که به هدفی که آزمون برای تحقق بخشیدن به آن درست شده، اشاره می‌کند؛ به سخن دیگر، آزمونی دارای روایی است که برای اندازه‌گیری

آنچه مورد نظر است مناسب باشد (سیف، ۱۳۸۲، ص ۴۱۸). به منظور تعیین روایی سوالات پرسشنامه‌ها در این تحقیق به ۵ نفر از اساتید دانشگاه شهید باهنر کرمان مراجعه شد. از نظریات گرفته‌شده، روایی حاصل‌شده از طریق فرمول روایی به دست آمد و بدین ترتیب میانگین روایی پرسشنامه دانش دینی ۰/۹۱، نگرش دینی ۰/۹۸، رفتار دینی ۰/۹۸، و شادی ۰/۹۰ محاسبه گردید. «اعتبار یا پایایی» یک وسیله اندازه‌گیری، به دقت آن اشاره می‌کند. یک آزمون در صورتی دارای پایایی است که اگر آن را در یک فاصله زمانی کوتاهی چندین بار به گروه واحدی از افراد بدهیم، نتایج حاصل‌شده نزدیک به هم باشد (سیف؛ به نقل از: علوی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳). به منظور تعیین اعتبار یا پایایی پرسشنامه‌های این تحقیق از روش آزمون مجدد استفاده شد. به این طریق که پرسشنامه برای پاسخگویی در اختیار ده نفر از دانش‌آموزان - پنج نفر راهنمایی و پنج نفر دبیرستان - قرار داده شد و پس از حدود ده روز مجدداً همان پرسشنامه به منظور پاسخ دادن در اختیار آنان قرار گرفت سپس با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن، اعتبار پرسشنامه دانش دینی ۰/۶۱۷، نگرش دینی ۰/۶۱۵، رفتار دینی ۰/۸۷۴ و شادی ۰/۶۱۲ محاسبه گردید. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا با استفاده از جدول‌های فراوانی و نمودارهای میله‌ای و هیستوگرام، توصیفی از ویژگی‌های فردی و تحصیلی دانش‌آموزان (مقطع تحصیلی، پایه تحصیلی، سن و معدل)، دیانت (دانش دینی، نگرش دینی و رفتار دینی) و شادی دانش‌آموزان ارائه گردیده است. سپس با استفاده از آمارهای توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی) و نمودار جعبه‌ای، آزمون T و آزمون مان-ویتنی و تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون کروسکال - والیس، تأثیر دیانت (دانش، نگرش و رفتار دینی) بر شادی دانش‌آموزان و تأثیر عوامل فردی (مقطع تحصیلی، پایه تحصیلی، سن و معدل) بر شادی، دانش دینی، نگرش دینی و رفتار دینی بررسی گردیده است.

نتایج تحقیق

الف) دیانت دانش‌آموزان

دیانت (دانش، نگرش و رفتار دینی) دانش‌آموزان چه میزان است؟

براساس داده‌های حاصل از پرسشنامه که در جدول فراوانی مربوط مندرج شده، از بین ۲۶۳ دانش‌آموز مورد بررسی، دانش دینی ۱۶۳ نفر (۰/۶۲) کم، ۷۶ نفر (۰/۲۸/۹) متوسط و ۲۴ نفر (۰/۹/۱) بالا بوده است. به طور کلی با توجه به میانگین نمره محاسبه‌شده (۱۹/۹۶) میزان دانش دینی دانش‌آموزان پایین بوده است. همچنین از طریق محاسبه میانگین ۱۴

سؤال مربوط به دست آمده از تعداد ۲۶۳ دانش‌آموز مورد بررسی نگرش دینی ۱ نفر منفی (۰/۴٪)، ۱۸ نفر (۶/۸٪) بینابین و ۲۴۴ نفر (۹۲/۸٪) مثبت بوده است. پس به‌طور کلی نگرش دینی دانش‌آموزان مثبت بوده است. از طریق محاسبه میانگین ۹ سؤال مربوط به دست آمده از میان ۲۶۳ دانش‌آموز مورد بررسی، رفتار دینی ۴۷ نفر (۱۷/۹٪) نامناسب، ۱۸۲ نفر (۶۹/۲٪) نسبتاً مناسب و ۳۴ نفر (۱۲/۹٪) مناسب بوده است و به‌طور کلی رفتار دینی دانش‌آموزان تا حدی مناسب بوده است.

با توجه به اینکه در این پژوهش دیانت معادل سه بعد: دانش، نگرش و رفتار دینی در نظر گرفته شده، لذا بالا بودن یا پایین بودن دانش، نگرش و رفتار دینی معرف بالا یا پایین بودن میزان دینداری است. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده از دانش، نگرش و رفتار دینی دانش‌آموزان می‌توان نتیجه گرفت که میزان دینداری دانش‌آموزان نسبتاً مناسب بوده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی دانش دینی دانش‌آموزان

درصد فراوانی	فراوانی	دانش دینی
۶۲/۰	۱۶۳	پایین (نمره کمتر از ۱۲)
۲۸/۹	۷۶	متوسط (نمره ۱۲ تا ۱۵)
۹/۱	۲۴	بالا (نمره بالای ۱۵)
۱۰۰	۲۶۳	جمع

جدول ۲: توزیع فراوانی نگرش دینی دانش‌آموزان

درصد فراوانی	فراوانی	نگرش دینی
۰/۴	۱	منفی (نمره ۰ تا ۲۱)
۶/۸	۱۸	بینابین (نمره ۲۲ تا ۳۵)
۹۲/۸	۲۴۴	مثبت (نمره ۳۶ تا ۵۶)
۱۰۰	۲۶۳	جمع

جدول ۳: توزیع فراوانی رفتار دینی دانش‌آموزان

درصد فراوانی	فراوانی	رفتار دینی
۱۷/۹	۴۷	نامناسب (نمره ۰ تا ۱۳)
۶۹/۲	۱۸۲	نسبتاً مناسب (نمره ۱۴ تا ۲۲)
۱۲/۹	۳۴	مناسب (نمره ۲۳ تا ۳۶)
۱۰۰	۲۶۳	جمع

ب) شادی دانش‌آموزان

شادی دانش‌آموزان چه میزان است؟

براساس محاسبه میانگین شش سؤال مربوط به دست آمده که از میان ۲۶۳ دانش‌آموز مورد بررسی، ۱ نفر (۰/۴٪) بسیار ناشاد، ۲۴ نفر (۹/۱٪) ناشاد، ۱۰۵ نفر (۳۹/۹٪) خنثی (نه شاد و نه ناشاد)، ۱۲۳ نفر (۴۶/۸٪) شاد و ۱۰ نفر (۳/۱٪) بسیار شاد بوده‌اند. به‌طور کلی میزان شادی دانش‌آموزان نسبتاً زیاد بوده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی شادی دانش‌آموزان

درصد فراوانی	فراوانی	شادی
۰/۴	۱	بسیار ناشاد (نمره ۶ تا ۲۴)
۹/۱	۲۴	ناشاد (نمره ۲۵ تا ۴۳)
۳۹/۹	۱۰۵	خنثی (نمره ۴۴ تا ۶۲)
۴۶/۸	۱۲۳	شاد (نمره ۶۳ تا ۸۱)
۳/۸	۱۰	بسیار شاد (نمره ۸۲ تا ۱۰۰)
۱۰۰	۲۶۳	جمع

ج) تأثیر متغیرهای فردی بر شادی دانش‌آموزان

آیا متغیرهای فردی (سن، پایه تحصیلی، مقطع، تحصیلی و معدل) دانش‌آموزان بر شادی آنان مؤثر است؟

میزان تأثیر مقطع تحصیلی بر شادی با استفاده از آزمون T به دست آمده است. با توجه به اینکه $p=0/103$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ نیست، لذا در این سطح فرض H_0 رد نمی‌شود. این بدان معنی است که میان نمره شادی برحسب مقطع تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد و مقطع تحصیلی بر شادی دانش‌آموزان مؤثر نیست. میزان تأثیر پایه تحصیلی و سن و معدل بر شادی با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده با توجه به اینکه $p=0/152$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ نیست، لذا در این سطح فرضی H_0 رد نمی‌شود. این بدان معنی است که میان نمره شادی برحسب پایه تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد و پایه تحصیلی بر شادی دانش‌آموزان مؤثر نیست؛ همچنین با توجه به اینکه $p=0/983$ کمتر از سطح معناداری نیست، لذا در این سطح فرضی H_0 رد نمی‌شود. این بدان معنی است که میان نمره شادی در سطوح مختلف سنی تفاوت معنادار وجود ندارد. در نتیجه سن نیز بر شادی دانش‌آموزان مؤثر نیست و با توجه به اینکه $p=0/024$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ است، لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود. این بدان معنی است که میان نمره شادی در سطوح مختلف معدل تفاوت معناداری

وجود دارد و معدل بر شادی دانش‌آموزان مؤثر است. این نتیجه بیانگر این نکته است که با افزایش سن و بالا رفتن پایه تحصیلی بر میزان شادی دانش‌آموزان افزوده نمی‌گردد.

د) تأثیر متغیرهای فردی بر دیانت دانش‌آموزان

آیا متغیرهای فردی (سن، مقطع تحصیلی، پایه تحصیلی و معدل) دانش‌آموزان بر دیانت آنان مؤثر است؟

تأثیر عوامل فردی بر دانش دینی دانش‌آموزان

تأثیر مقطع تحصیلی بر دانش دینی دانش‌آموزان با استفاده از آزمون T به دست آمده، با توجه به اینکه $P=0/001$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ است، لذا در این سطح فرضی H_0 رد می‌شود و این بدان معنی است که میان نمره دانش دینی برحسب مقطع تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد در نتیجه مقطع تحصیلی بر دانش دینی دانش‌آموزان مؤثر است. تأثیر پایه تحصیلی بر دانش دینی دانش‌آموزان با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده، با توجه به اینکه $p=0/352$ کمتر از سطح معنادار $0/05$ نیست، لذا در این سطح فرض H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میان نمره دانش دینی برحسب پایه تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد در نتیجه پایه تحصیلی بر دانش دینی دانش‌آموزان مؤثر نیست. تأثیر سن و معدل بر دانش دینی نیز با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده با توجه به اینکه $p=0/062$ کمتر از سطح معناداری نیست، لذا در این سطح H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میان نمره دانش دینی در سطح مختلف سنی تفاوت معناداری وجود ندارد. در نتیجه سن، بر دانش دینی دانش‌آموزان مؤثر نیست.

با توجه به اینکه $p=0/019$ کمتر از سطح معناداری است، لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و این بدان معنی است که میان نمره دانش دینی در سطوح مختلف معدل تفاوت معناداری وجود دارد و در نتیجه معدل، بر دانش دینی دانش‌آموزان مؤثر است.

تأثیر عوامل فردی بر نگرش دینی دانش‌آموزان

تأثیر مقطع تحصیلی بر نگرش دینی دانش‌آموزان با استفاده از آزمون T به دست آمده و با توجه به اینکه $p=0/292$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ نیست، لذا در این سطح فرض H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میان نمره نگرش دینی برحسب مقطع تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد. در نتیجه، مقطع تحصیلی بر نگرش دینی دانش‌آموزان مؤثر نیست. تأثیر پایه تحصیل بر نگرش دینی با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده که با

توجه به اینکه $p=0/634$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ نیست، لذا در این سطح H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میان نمره نگرش دینی برحسب پایه تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد و در نتیجه، پایه تحصیلی، بر نگرش دینی دانش‌آموزان مؤثر نیست. تأثیر سن و معدل نیز با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده که با توجه به اینکه $p=0/756$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ نیست، لذا در این سطح H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میان نمره نگرش دینی در سطوح مختلف سنی تفاوت معنادار وجود ندارد در نتیجه سن بر نگرش دینی دانش‌آموزان مؤثر نیست و با توجه به اینکه $p=0/706$ کمتر از سطح معناداری نیست، لذا در این سطح H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میان نمره نگرشی دینی در سطوح مختلف معدل تفاوت معناداری وجود ندارد در نتیجه معدل بر نگرش دینی دانش‌آموزان مؤثر نیست.

تأثیر عوامل فردی بر رفتار دینی دانش‌آموزان

تأثیر مقطع تحصیلی بر رفتار دینی دانش‌آموزان با استفاده از آزمون T به دست آمده با توجه به اینکه $p=0/418$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ نیست لذا در این سطح H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میان نمره رفتار دینی برحسب مقطع تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد، در نتیجه مقطع تحصیلی بر رفتار دینی دانش‌آموزان مؤثر نیست؛ تأثیر پایه تحصیل بر رفتار دینی دانش‌آموزان با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده، با توجه به اینکه $p=0/010$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ است، لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و این بدان معنی است که میان نمره رفتار دینی برحسب پایه تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد، در نتیجه پایه تحصیلی بر رفتار دینی دانش‌آموزان مؤثر است.

تأثیر سن و معدل بر رفتار دینی نیز با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده، با توجه به اینکه $p=0/035$ کمتر از سطح معناداری $0/05$ است، لذا در این سطح H_0 رد می‌شود و این بدان معنی است که میان نمره رفتار دینی در سطوح مختلف سنی تفاوت معناداری وجود دارد در نتیجه سن بر رفتار دینی دانش‌آموزان مؤثر است. با توجه به اینکه $p=0/043$ کمتر از سطح H_0 رد می‌شود و این بدان معنی است که میان نمره رفتار دینی در سطوح مختلف معدل تفاوت معناداری وجود دارد، در نتیجه معدل بر رفتار دینی دانش‌آموزان مؤثر است.

ه) تأثیر دیانت بر شادی دانش‌آموزان

آیا دیانت دانش‌آموزان بر شادی آنان تأثیر دارد؟

آیا دانش دینی دانش‌آموزان بر شادی آنان تأثیر دارد؟

محاسبات بیانگر آن است که از میان ۱۶۳ دانش‌آموز با دانش دینی پایین، ۱ نفر (۰/۶٪) بسیار ناشاد، ۱۱ نفر (۶/۷٪) ناشاد، ۷۴ نفر (۴۵/۴٪) خنثی، ۷۱ نفر (۴۳/۶٪) شاد، و ۶ نفر (۳/۷٪) بسیار شاد بوده‌اند. از میان ۷۶ دانش‌آموز با دانش دینی متوسط، ۱۰ نفر (۱۳/۲٪) ناشاد، ۲۶ نفر (۳۴/۲٪) خنثی، ۳۷ نفر (۴۸/۷٪) شاد و ۳ نفر (۳/۹٪) بسیار شاد بوده‌اند و از میان ۲۴ دانش‌آموز با دانش دینی بالا، ۳ نفر (۱۲/۵٪) ناشاد، ۵ نفر (۲۰/۸٪) خنثی، ۱۵ نفر (۶۲/۵٪) شاد و ۱ نفر (۴/۲٪) بسیار شاد بوده‌اند. تأثیر دانش دینی بر شادی با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده که با توجه به اینکه $p=0/635$ کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ نیست، لذا در این سطح H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میان نمره شادی در سطوح مختلف دانش دینی تفاوت معناداری وجود ندارد، در نتیجه دانش دینی بر شادی دانش‌آموزان مؤثر نیست.

آیا نگرش دینی دانش‌آموزان بر شادی آنها تأثیر دارد؟

از میان ۲۴۴ دانش‌آموز با نگرش دینی مثبت، ۱ نفر (۰/۴٪) بسیار ناشاد، ۲۱ نفر (۸/۶٪) ناشاد، ۹۵ نفر (۳۸/۹٪) خنثی، ۱۱۷ نفر (۴۸٪) شاد و ۱۰ نفر (۴/۱٪) بسیار شاد بوده‌اند. از میان ۱۸ دانش‌آموز با نگرش دینی بینابین، ۲ نفر (۱۱/۱٪) ناشاد، ۱۰ نفر (۵۵/۶٪) خنثی و ۶ نفر (۳۳/۳٪) شاد بوده‌اند و یک دانش‌آموز با نگرش منفی هم ناشاد بوده است. تأثیر نگرش دینی بر شادی با استفاده از آزمون T به دست آمده که با توجه به اینکه $p=0/034$ کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، لذا در این سطح H_0 رد می‌شود و این بدان معنی است که میان نمره شادی در سطوح مختلف نگرش دینی تفاوت معنادار وجود دارد، در نتیجه نگرش دینی بر شادی دانش‌آموزان مؤثر است.

آیا رفتار دینی دانش‌آموزان بر شادی آنها تأثیر دارد؟

از بین ۴۷ دانش‌آموز با رفتار دینی نامناسب، ۱ نفر (۲/۱٪) بسیار ناشاد، ۸ نفر (۱۸٪) ناشاد، ۲۱ نفر (۴۴/۷٪) خنثی و ۱۷ نفر (۳۶/۲۱٪) شاد بوده‌اند. از بین ۱۸۲ دانش‌آموز با رفتار دینی نسبتاً مناسب، ۱۴ نفر (۷/۷٪) ناشاد، ۷۵ نفر (۴۱/۲٪) خنثی، ۸۳ نفر (۴۵/۶٪) شاد و ۱۰ نفر (۵/۵٪) بسیار شاد بوده‌اند و از بین ۳۴ دانش‌آموز با رفتار دینی مناسب، ۲ نفر (۵/۹٪) ناشاد، ۹ نفر (۲۶/۵٪) خنثی و ۲۳ نفر (۶۷/۶٪) شاد بوده‌اند. تأثیر رفتار دینی بر شادی با استفاده از تحلیل واریانس به دست آمده که با توجه به اینکه $p=0/002$ کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، لذا در این سطح H_0 رد می‌شود و این بدان معنی است میان نمره شادی در سطوح مختلف رفتار دینی تفاوت معنادار وجود دارد، در نتیجه رفتار دینی بر شادی دانش‌آموزان مؤثر است.

جدول ۵: توزیع فراوانی شادی دانش‌آموزان در سطوح مختلف دانش دینی

بالا		متوسط		پایین		دانش دینی / شادی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۰	۰	۰/۶	۱	بسیار ناشاد
۱۲/۵	۳	۱۳/۲	۱۰	۶/۷	۱۱	ناشاد
۲۰/۸	۵	۳۴/۲	۲۶	۴۵/۴	۷۴	خنثی
۶۲/۵	۱۵	۴۸/۷	۳۷	۴۳/۶	۷۱	شاد
۴/۲	۱	۳/۹	۳	۳/۷	۶	بسیار شاد
۱۰۰	۲۴	۱۰۰	۷۶	۱۰۰	۱۶۳	جمع

جدول ۶: توزیع فراوانی شادی دانش‌آموزان در سطوح مختلف نگرش دینی

مثبت		بینابین		منفی		نگرش دینی / شادی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۴	۱	۰	۰	۰	۰	بسیار ناشاد
۸/۶	۲۱	۱۱/۱	۲	۱۰۰	۱	ناشاد
۳۸/۹	۹۵	۵۵/۶	۱۰	۰	۰	خنثی
۴۸/۰	۱۱۷	۳۳/۳	۶	۰	۰	شاد
۴/۱	۱۰	۰	۰	۰	۰	بسیار شاد
۱۰۰	۲۴۴	۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۱	جمع

جدول ۷: توزیع فراوانی شادی دانش‌آموزان در سطوح مختلف رفتار دینی

بالا		متوسط		پایین		رفتار دینی / شادی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۰	۰	۲/۱	۱	بسیار ناشاد
۵/۹	۲	۷/۷	۱۴	۱۷/۰	۸	ناشاد
۲۶/۵	۹	۴۱/۲	۷۵	۴۴/۷	۲۱	خنثی
۶۷/۶	۲۳	۴۵/۶	۸۳	۳۶/۲	۱۷	شاد
۰	۰	۵/۵	۱۰	۰	۰	بسیار شاد
۱۰۰	۳۴	۱۰۰	۱۸۲	۱۰۰	۴۷	جمع

بحث

چنانچه در قسمت نتیجه‌گیری گفته شد، در این پژوهش میزان دانش دینی دانش‌آموزان پایین بوده است. احتمالاً می‌توان دلایل مختلفی را برای این امر در نظر گرفت؛ از جمله یکسان بودن پرسش‌ها در پایه‌های مختلف یک مقطع و همچنین فراموشی برخی مطالب

آموخته شده به وسیله دانش‌آموزان در تحقیق حاضر، نگرش دینی دانش‌آموزان مثبت به دست آمد. در تحقیق علوی (۱۳۸۲) میانگین نگرش دینی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شاهد ۹۱/۸٪ به دست آمد و در تحقیق عظیمی (۱۳۸۱) میانگین نگرش دینی دانش‌آموزان دبیرستان‌های کرمان معادل $x=127/93$ به دست آمد که اختلاف این میانگین با سطح مطلوب ۳۲ نمره است. لذا می‌توان گفت در هر سه تحقیق نگرش دینی دانش‌آموزان مثبت است و از این جهت نتایج این دو تحقیق با تحقیق حاضر همخوانی دارد.

در این تحقیق این نتیجه حاصل شد که رفتار دینی دانش‌آموزان تا حدی مناسب بوده است. این نتیجه، مشابه تحقیق رستمی گوهری (۱۳۸۱) است که در آن رفتار دینی دانش‌آموزان دبیرستان‌های کرمان، متوسط گزارش شد. همچنین مشابه تحقیق علوی (۱۳۷۹) است که در آن رفتار دینی دانش‌آموزان دبیرستان‌های کرمان معادل ۶۳/۸٪ سطح مطلق به دست آمد. در تحقیق حاضر وضعیت شادی برای ۱ نفر (۰/۴) بسیار ناشاد، ۲۴ نفر (۰/۹۱) ناشاد، ۱۰۵ نفر (۳۹/۹) خنثی، ۱۲۳ نفر (۴۶/۸) شاد، ۱۰ نفر (۰/۳۱) بسیار شاد، گزارش شده است. در تحقیق حبیبی و رحمانی (۱۳۷۸) افسردگی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرک الوند و صنعتی قزوین ۵۱/۴ درصد به دست آمد. همچنین در تحقیق احمدی (۱۳۶۴) که جهت بررسی پراکندگی افسردگی دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام گرفت، نرخ افسردگی خفیف دانشجویان ۱۸/۶، افسردگی متوسط ۱۹/۱، افسردگی شدید ۸/۵٪ و افسردگی بسیار شدید در بین آنها ۱/۷٪ گزارش شده است، نتایج این دو تحقیق با تحقیق حاضر همخوانی ندارد که از جمله دلایل این اختلاف را می‌توان متفاوت بودن جامعه آماری و زمان انجام پژوهش‌ها ذکر کرد. در این تحقیق از میان عوامل فردی (مقطع تحصیلی و معدل) دانش‌آموزان بر دانش دینی آنها تأثیر دارد، ولی (سن و پایه تحصیلی) دانش‌آموزان بر دانش دینی آنها مؤثر نیست که به نظر می‌رسد یکسان بودن سؤالات دانش دینی در پایه‌های مختلف هر مقطع تحصیلی و عدم آموزش صحیح و عمیق مفاهیم اصلی درس دینی و در نتیجه فراموشی برخی مطالب آموخته شده از سوی دانش‌آموزان از جمله عوامل مؤثر بر عدم تأثیر پایه تحصیلی و سن دانش‌آموزان بر دانش دینی آنها باشد. در این تحقیق تأثیر هیچ‌یک از عوامل فردی (سن، معدل، مقطع و پایه تحصیلی) بر نگرش دینی مثبت به دست نیامده است. اما در تحقیق عظیمی یزدی (۱۳۸۱) رابطه پایه تحصیلی با نگرش دینی مثبت به دست آمد، دلیل این اختلاف را شاید بتوان در طراحی سؤالات متفاوت برای سنجش نگرش دینی نوجوانان و مختلف بودن سال انجام تحقیق ذکر نمود.

در تحقیق حاضر از میان عوامل فردی (پایه تحصیلی، سن و معدل) دانش‌آموزان بر رفتار دینی آنان تأثیر دارد. رستمی گوهری (۱۳۸۱) نیز در تحقیق خود چنین نتیجه‌گیری کرد که پایه تحصیلی از جمله عوامل مرتبط با رفتار دینی است و رفتار دینی بیشتر دانش‌آموزان سال اول خوب و سال دوم و سوم، متوسط است، نتایج این دو تحقیق مخالف نتیجه تحقیق علوی (۱۳۸۵) است که در آن میان رفتار دینی دانش‌آموزان و پایه تحصیلی آنها ارتباط معناداری یافت نشده است. به نظر می‌رسد دلیل این اختلاف در متفاوت بودن جامعه آماری تحقیقات یادشده و عدم پاسخگویی صحیح و با صداقت دانش‌آموزان به سؤالات رفتار دینی و سوگیری آنها به طرف رفتار دینی مطلوب و ایده‌آل باشد. در تحقیق حاضر مشخص شد که دانش دینی دانش‌آموزان بر شادی آنان تأثیر ندارد. اما آستین و لنینگ (۱۹۹۳)^۱ در تحقیق خود نتیجه گرفتند که میزان داشتن اطلاعات در مورد دین مسیحیت باعث کاهش درجه افسردگی و ناامیدی است. تفاوت میان نتایج این دو تحقیق را می‌توان به تفاوت جامعه آماری دو تحقیق و تفاوت در سؤالات پرسشنامه‌های دو تحقیق و میزان دشواری نسبتاً بالای سؤالات دانش دینی در تحقیق حاضر و نحوه آموزش متفاوت مسائل دینی به دانش‌آموزان نسبت داد. بدیهی است که مسائل دینی باید طوری به دانش‌آموزان آموزش داده شود که دانش‌آموز بتواند ارتباط عمیق بین این شناخت‌ها و مسائل زندگی خود را دریابد.

در تحقیق حاضر مشخص شد که نگرش دینی دانش‌آموزان بر شادی آنان تأثیر دارد، نتیجه این تحقیق در این جهت وجوه تشابهی با تحقیقات ذیل دارد. مرزیه و پناهی (۱۳۸۴) نیز در تحقیق خود نتیجه گرفتند که میان میانگین نمره‌های افسردگی و اعتقادات مذهبی دانش‌آموزان همبستگی معکوس وجود دارد. همچنین آراین (به نقل از بایجان و موسوی اصل، ۱۳۸۵) در تحقیق خود بدین نتیجه دست یافت که همبستگی مثبت و معناداری میان رضامندی و خشنودی با دینداری وجود داشته است و میان دینداری و افسردگی نیز همبستگی منفی و معناداری وجود داشته است. در تبیین این رابطه باید گفت که داشتن باور راسخ و محکم و محتوای این باورها که اعتقاد به خداوند، اعتقاد به ناپایداری دنیا، اعتقاد به جهان پس از مرگ و... است، بهترین پیش‌بینی‌کننده شادمانی افراد است. هنگامی که فرد به خدای مهربان و حمایت‌کننده در مشکلات، اعتقاد داشته باشد، همانند کودکی دست خود را در دست پدری مهربان و قابل اتکا می‌گذارد و در این راه از هیچ چیز نمی‌هراسد و با تکیه به او، گام برمی‌دارد. همچنین این فرد تفکری مثبت درباره حوادث منفی دارد و آنها را در جهت خیر و مصلحت خویش تعبیر می‌کند زیرا معتقد است

1. Avstin & lenning

این حوادث از اراده خدا سرچشمه می‌گیرند، لذا برخورداری از این طرز تفکر، به خوش بینی فرد به جهان، روشندلی، امیدواری و در نهایت آرامش خاطر او می‌انجامد و زمینه نجات فرد را از اضطراب و استرس‌های گوناگون فراهم می‌آورد.

در این تحقیق نشان داده شد که رفتار دینی دانش‌آموزان بر شادی آنان مؤثر است این نتیجه مشابه نتیجه تحقیق محمدی (۱۳۷۹) است که در آن بین التزام عملی به اعتقادات اسلامی و افسردگی دانش‌آموزان دبیرستان‌های جیرفت همبستگی منفی به دست آمده و از طرفی مشابه با نتیجه تحقیق پولوما و پندلتون^۱ (به نقل از: آرگایل، ۱۳۸۲) است که دریافتند با رخ دادن تجارب مذهبی، احساس سلامتی و خوشحالی در بالاترین حد قرار می‌گیرد. همچنین نتیجه تحقیق پالرما^۲ و پندلتون (به نقل از: شهبازی، ۱۳۷۵) که بیانگر ارتباط قوی و مستقیم اعتقادات مذهبی و نماز خواندن با روش‌های متعدد احساس شادی است، نیز مشابه با تحقیق حاضر است. تحقیقات بیانگر این است که رفتار دینی مثبت به رضایت از زندگی می‌انجامد، از جمله دلایل این رابطه را می‌توان ارتباط با پروردگار متعال ذکر کرد؛ زیرا افراد هنگام نیایش با پروردگار و حس تقرب به او و ارتباط با آن قادر متعال، به نهایت شادمانی می‌رسند. همچنین افراد دیندار در افکار، گفتار و کردار خود به میزان‌های الهی توجه دارند در نتیجه به گونه‌ای رفتار می‌کنند که کردارشان مورد رضایت الهی قرار گیرد. چنین افرادی از همه رذایل اخلاقی که همچون خوره به جان آدمی می‌افتند و سلامتی اعصاب او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به دورند و در هنگام مواجهه با مشکلات زندگی صبر و توان مقاومت خود را از دست نمی‌دهند و به خدای متعال تکیه می‌کنند لذا وسایل آرامش‌خاطر آنها فراهم می‌گردد و از گرفتاری به انواع بیماری‌های روانی نظیر اضطراب و افسردگی مصون می‌مانند.

براساس نتایج تحقیق که در شمار زیادی از دانش‌آموزان با دانش دینی پایین و در تعداد اندکی از دانش‌آموزان با نگرش دینی پایین و در تعداد نسبتاً بیشتری رفتار دینی پایینی را نشان می‌دهد، پیشنهاد می‌شود اقدامات لازم برای ارتقای شناخت دانش‌آموزان از مسائل دینی به کار گرفته شود، تا این شناخت‌ها به شکل‌گیری باورهای عمیق و به تبع آن رفتارهای دینی مناسب بینجامد؛ زیرا رفتارهای نشأت‌گرفته از دانش‌ها و نگرش‌های عمیق از ثبات و پایداری زیادی برخوردارند و از هر گونه تقلید و سطحی‌نگری به دورند. همچنین به دلیل اینکه شادی دانش‌آموزان از نگرش و رفتار دینی آنها تأثیر می‌پذیرد، پیشنهاد می‌شود به منظور تضمین هرچه بیشتر شادی دانش‌آموزان، به تقویت و بهبود نگرش و رفتار دینی در آنان، اهتمام بیشتری مبذول شود.

1. poloma & pendelton

2. Palerma

منابع

- قرآن کریم.
- دشتی، محمد (۱۳۸۵)، نهج البلاغه، چ ۱، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- آذربایجانی، مسعود و سیدمهدی موسوی اصل (۱۳۸۵)، درآمدی بر روان‌شناسی دین، چ ۱، تهران: سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۲)، روان‌شناسی شادی، ترجمه فاطمه بهرامی و دیگران، چ ۱، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- احمدی، سیداحمد (۱۳۸۲)، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، چ ۱۰، اصفهان: مشعل.
- اکبری، محمود (۱۳۸۶)، غم و شادی در سیره معصومان (ع)، چ ۲، قم: صفحه نگار.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۵)، صحیفه سجاده، چ ۱، قم: بوستان کتاب.
- بدخشان، نعمت‌الله (۱۳۷۹)، «حقیقت ایمان و لوازم آن از منظر علم کلام، قرآن و علی (ع)»، فصلنامه اندیشه دینی، ج ۱ و ۲.
- بهادری‌نژاد، مهدی (۱۳۸۵)، شادی و زندگی، چ ۴، تهران: مدیسه.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۵)، تعلیم و تربیت دینی (مجموعه مقالات)، ترجمه شهاب‌الدین مشایخی راد، چ ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ (۱۳۸۵)، گوهر و صدف دین، چ ۱، تهران: اطلاعات.
- حبیبی، سپیده و لیلیا رحمانی (۱۳۷۸)، بررسی شیوع افسردگی در دختران دبیرستان‌های شهرک الوند و صنعتی قزوین و ارتباط آن با تعقید مذهبی، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه علوم پزشکی قزوین.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، شرح چهل حدیث، چ ۴۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، امام علی (ع) و تفریحات سالم، چ ۱، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷)، سیری در تربیت اسلامی، چ ۳، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- رجبی، محمود (۱۳۸۵)، انسان‌شناسی، تهران: چ ۸، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- رستمی گوهری، عصمت (۱۳۸۱)، بررسی رفتار دینی و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- سادات، محمدعلی (۱۳۶۴)، اخلاق اسلامی، چ ۱، تهران: سمت.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، چ ۱۲، تهران: نشر دوران.
- شهبازی، آناهیتا (۱۳۷۵)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی، بی‌جا: بی‌نا.
- عظیمی یزدی، عصمت (۱۳۸۱)، بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با نگرش مذهبی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۷۹) «بررسی رفتار و عملکرد دینی نوجوانان سال‌های اول، دوم و سوم دبیرستان‌های کرمان»، کرمان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای پژوهشی.
- _____ (۱۳۸۲)، بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با بهداشت روانی، نگرش و رفتار دینی در دانشجویان و دانش‌آموزان شاهد کرمان.
- _____ (۱۳۸۵)، «بررسی رفتار دینی و عوامل مرتبط با آن در نوجوانان دبیرستان‌های کرمان»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۶۴.
- فرید تنکابنی، مرتضی (۱۳۶۳)، الحدیث، چ ۲، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۳۶۴)، الحدیث، چ ۳، قم: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- کایزل، جان بی. (۱۳۴۲)، شادکامی، ترجمه محمد حجازی، چ ۳، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- کرمی فریدنی، علی (۱۳۸۴)، نهج‌الفصاحه، چ ۵، قم: حلم.
- لقمانی، احمد (۱۳۸۶)، چگونه شاد و خنده‌رو باشیم؟، چ ۱، قم: بهشت بینش.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶) منتخب میزان الحکمه، چ ۶، قم: دارالحدیث.
- محمدی، حسینعلی (۱۳۷۹)، بررسی رابطه بین افسردگی و میزان اعتقاد عملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان جیرفت به انجام فرایض دینی، پروژه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی.
- مدرسی، هادی (۱۳۸۴)، ویژگی‌های اخلاقی در شخصیت حضرت علی(ع)، ترجمه محمدصادق پارسا، چ ۱، تهران: محبان‌الحسین.
- مرزیه، افسانه و غلام‌حسین پناهی (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه بین افسردگی و میزان اعتقادات مذهبی در بین دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان‌های شهر زاهدان»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۲، ص ۱۳-۲۲.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، به سوی خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مظاهری، حسین (۱۳۷۵)، اخلاق و خودسازی، چ ۱، انتشارات پیام آزادی.
 موسی‌پور، نعمت‌الله و سیدحمیدرضا علوی (۱۳۸۵)، نگارش علمی (راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان‌نامه و گزارش پژوهش)، چ ۱، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

نراقی، ملا احمد (۱۳۸۶)، معراج السعاده، چ ۲، قم: زینی.
 نصر، سیدحسین (۱۳۸۱)، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، چ ۲، تهران: سهروردی.
 نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۰)، درآمدی به فلسفه، چ ۵، تهران: طهوری.

Alavi, S. H. R. (2007), *Religious, Philosophical and Psychological Foundations of Happiness*, Qom: Ansaryian.

Avstin, D. & S. C. J. Lening (1993), "Grief and Religious Belief", *Journal of Death-studies*, vol.17, no.6, pp.487-496.

Hoggard, L. (2005), *How to Be Happy*, London: BBC Books.

Oxford (2005), *Advanced Learner's Dictionary of Current English*, 7th edition.